

بررسی تطبیقی مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیمین بهبهانی و فدوی طوقان

فروغ الهی^{۱*}، رضوانه رمرودی دلخسته^۲، صادق هاشمی امجد^۳

* استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد زابل، دانشگاه آزاد اسلامی، زابل، ایران. (نویسنده مسؤل)

^۲ دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، واحد زابل، دانشگاه آزاد اسلامی، زابل، ایران.

^۳ دکترای زبان و ادبیات عرب، دبیر رسمی آموزش و پرورش استان خوزستان، شهرستان آبادان.

نویسنده مسؤل: Email: f.elahi403@iau.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۰۶ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۱۵

چکیده

ادبیات پایداری به عنوان شاخه‌ای از ادبیات متعهد، بازتاب دهنده مقاومت و ایستادگی مردم در برابر ظلم و استعمار و تجلی‌گر ایستادگی آنها در دفاع از آرمان‌های ملی و جمعی است. تاریخ مبارزاتی دو کشور ایران و فلسطین بیانگر این است که ایستادگی این دو ملت با موقعیت سیاسی و دینی مشابه، در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی، سبب شکل‌گیری گفتمان‌هایی مشترک در عرصه ادبیات پایداری شده است. در این پژوهش نگارندگان به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی و مقایسه مؤلفه‌های پایداری در شعر سیمین بهبهانی به عنوان یکی از شاعران زن ایرانی در عرصه ادبیات پایداری و فدوی طوقان به عنوان یکی از شاعران زن فلسطینی در این عرصه، می‌پردازند. نتایج حاصل از خوانش جداگانه دفاتر شعری دو شاعر و بازخوانش تطبیقی آنها، بیانگر آن است که؛ شهید و شهادت، دعوت به مبارزه و جان‌فشانی، وطن‌دوستی، امید به رهایی و آزادی از مهم‌ترین مؤلفه‌های مشترک شعری این دو شاعر است. همچنین استفاده از زبان زنانه، روایت شعری و مضامین قرآنی و نماد نیز از ابزارهای بیانی مشترکی هستند که در شعر آنان دیده می‌شود. اما علی‌رغم اشتراکات زیاد، گاه شاهد وجوه اختلاف در نگرش آنها به این موضوع هستیم که این تفاوت دیدگاه را می‌توان ناشی از تفاوت در شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر محیط زندگی سیمین و فدوی و تجربه زیسته آنها دانست.

کلیدواژه: ادبیات پایداری، ادبیات تطبیقی، سیمین بهبهانی، فدوی طوقان.

۱- مقدمه

در بستر جوامعی که فشار، بی‌عدالتی و ستم ساختاری بر حیات اجتماعی غلبه می‌یابد، واکنشی آگاهانه در قالب مقاومت و ایستادگی شکل می‌گیرد که بازتاب آن را می‌توان در عرصه ادبیات مشاهده کرد. ادبیات پایداری، به‌مثابه گونه‌ای از ادبیات متعهد، از دل تجربه‌های جمعی و آگاهی پیشگامان فکری جامعه پدید می‌آید و هدف آن مقابله با عواملی است که موجودیت مادی و معنوی یک ملت را با تهدید مواجه می‌سازند. در این چارچوب، محورهایی چون برانگیختن روح مبارزه، افشای سازوکارهای ظلم، ارج نهادن به مفهوم آزادی و آزادگی، ترسیم چشم‌انداز امیدبخش رهایی، بازنمایی رنج‌ها و مظلومیت‌های اجتماعی، و پاسداشت ایثار و فداکاری کنشگران راه آزادی جایگاهی بنیادین می‌یابد. از منظر تاریخی، این نوع ادبی همواره در متن تقابل میان نیروهای سلطه‌گر و جوامع سلطه‌ناپذیر حضور داشته و به‌عنوان ابزاری فرهنگی، نقشی مؤثر در حفظ هویت، استمرار حافظه جمعی و تداوم حیات فرهنگی جوامع تحت فشار یا اشغال ایفا کرده است.

ملت‌ها به واسطه ادبیات مقاومت، اندیشه‌های مردم، از خود گذشتگی‌ها و مفاخر تاریخ، مقاومت خود را در ادبیات نشان می‌دهند. در واقع به دنبال یک تهاجم، مردم آن سرزمین به واسطه غریزه حب وطن، موضوع پایداری را در پیش می‌گیرند و در این میان، ادیبان و شاعران، نقش پررنگ‌تری در پیدایش ادبیات مقاومت

دارند و از ادبیات برای تشویق و تشجیع مردم به نجات و دفاع از ارزش‌های ملی و دینی در برابر مهاجمانی که در پی تحمیل قدرت خود هستند، استفاده می‌کنند (ر.ک. غنی پور ملک و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۸۷-۱۸۶). در تعریف ادبیات پایداری تعبیر متفاوت‌تری نیز آورده شده: "ادبیات پایداری، به شعرها، سروده‌ها، داستان‌ها، ترانه‌ها و تصنیف‌هایی گفته می‌شود که در دوران خاصی از تاریخ ملتی یا قومی به وجود می‌آید و هدف آن ایجاد روحیه مبارزه و پایداری در مردم است. معمولاً این نوع آثار در دوره‌های خاصی به وجود می‌آیند و اگر هنرمندانه به آن پردازند از حیثه ادبیات قومی و ملی بیرون می‌آیند و به صورت شاهکارهای ادبیات، ماندگار می‌شوند" (باروتیان، ۱۳۸۷: ۱۳۵). شعر مقاومت فلسطین و شعر دفاع مقدس ایران به عنوان بخشی از ادبیات پایداری ملل، در انعکاس اوضاع و احوال خاص جبهه‌های نبرد با متجاوز، نقش مهمی دارند. نقش ادبیات مقاومت فلسطین به طور کلی بر انگیزختن، بسیج کردن، ایجاد هوشیاری قومی، وطنی و گرایش اندیشه عمومی به سمت قیام است که به مسئله مبارزه کمک می‌کند (ر.ک. کنفانی، ۱۹۶۸: ۵).

در ایران نیز مسائل و رویدادهای دوران انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس، جنگ تحمیلی و ابعاد و گستردگی خاصش، بازتاب جدیدی در ادبیات داشته و تصاویر تازه‌ای را در قلمرو شعر دفاع مقدس پدید آورده است. در این میان سیمین بهبهانی و فدوی طوقان به عنوان دو تن از شعرای زن مشهور در عصر ادبیات مقاومت ایران و فلسطین، سهم بسزایی در شکل‌گیری این نوع از ادبیات، بیان رشادتها، دفاع از مبارزان، انعکاس مظلومیت‌ها و ... داشته‌اند.

سیمین خلیلی معروف به سیمین بهبهانی (۱۳۹۳-۱۳۰۶) است. پدر وی عباس خلیلی از رجال برجسته تاریخ و ادب ایران، نویسنده، پژوهنده و مدیر روزنامه اقدام بود و از همان دوران جوانی به مخالفت با سیاست بیگانگان می‌پرداخت (گلبن، ۱۳۸۰: ۵).

از مجموع هشت دفتر شعر او در چهار دفتر آن بیشترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری وجود دارد، گونه‌ی پایداری در برابر دشمن خارجی در دفتر "خطی ز سرعت و از آتش" و گونه‌ی پایداری در برابر دشمن داخلی در سه دفتر دیگر آن یعنی "جای پا و رستاخیز و یک دریچه آزادی" مشاهده می‌گردد. (ابراهیم تبار، ۱۳۹۶: ۱۸-۱۹). در سروده‌های سیمین، بازتاب رویدادهای سیاسی و اجتماعی ایران به وضوح قابل مشاهده است و این بازتاب اغلب از طریق مفاهیم و نشانه‌هایی چون نبرد، زخم، شجاعت، مقاومت، سرزمین، زادبوم، فداکاری و ایستادگی و ... صورت می‌گیرد. با این حال، شعر او هرگز به ورطه شعارزدگی نمی‌افتد و از سطح بیان مستقیم و خطابی فراتر می‌رود. ویژگی برجسته این اشعار آن است که شاعر، حتی در مواجهه با مسائل کلان اجتماعی و سیاسی، پیوند خود را با هویت فردی و جهان درونی‌اش حفظ می‌کند. بدین‌سان، گرچه مضامین اجتماعی در کانون توجه شعر او قرار دارند، اما این مفاهیم از منظر نگاهی انسانی، عاطفی و آگاهانه بازآفرینی می‌شوند؛ نگاهی که می‌توان آن را حاصل ذهنیت زنی مهربان و مادری مسئول دانست که تجربه زیسته و تعهد اجتماعی را در بیانی هنری درهم می‌آمیزد. فدوی عبدالفتاح آغا طوقان (۲۰۰۳-۱۹۱۷) نیز یکی از برجسته‌ترین زنان شاعر فلسینی است (ابن الرسول، ۱۳۸۳: ۲۳). وی در خاندانی اصیل در نابلس، واقع در کرانه‌ی باختری دیده به جهان گشود. تولد او، همزمان با اواخر امپراطوری عثمانی و ظهور استعمار جدید غرب توسط متفقین بود. پدرش از همان آغازین سال‌های اشغال فلسطین به عنوان فعال سیاسی علیه اشغالگران، از چهره‌های مطرح بود (سیدی و سالم، ۱۳۹۱: ۱۸۹). او تحصیلات ابتدایی‌اش را در زادگاهش آغاز کرد اما قبل از پایان تحصیلات ابتدایی و ورود به عرصه دانشگاهی، به دلیل شرایط و تعصبات خاص خانوادگی و اجتماعی مجبور به ترک تحصیل شد. در سال ۱۹۶۲ به دانشگاه آکسفورد انگلستان راه یافت و تا سال ۱۹۷۴ در آن کشور ماند، سپس به میهن خویش بازگشت (طوقان، ۱۹۸۵: ۹). فدوی به دلیل فضای سنتی حاکم بر خانواده‌های عربی دهه‌های اول قرن بیستم، از سوی خانواده از تحصیل کلاسیک محروم شده بود و از آن زمان به ناچار برادرش ابراهیم که خود از پیشگامان شعر مقاومت فلسطین به شمار می‌رود به پرورش فکری او مبادرت ورزید و از این رهگذر، فدوی با عالم شعر و ادب آشنا شد (الجیوسی، ۱۹۹۷: ۳۳۹). لذا در این پژوهش بر آن هستیم تا به بررسی و مقایسه مضامین ادبیات پایداری در اشعار فدوی طوقان، شاعر متعهد فلسطینی و سیمین بهبهانی، شاعر بلند مقام ایرانی پردازیم.

۱-۱- بیان مسأله

ادبیات پایداری در ایران، طی حدود چهار دهه اخیر، به‌عنوان یکی از جریان‌های غالب و تأثیرگذار در شعر و نثر فارسی مطرح بوده است. تحولات ناشی از انقلاب اسلامی، هشت سال دفاع مقدس و پیامدهای گسترده جنگ تحمیلی، زمینه‌ساز شکل‌گیری و گسترش نوعی واکنش ادبی شد که بازتاب‌دهنده تجربه‌های جمعی، رنج‌ها، ایستادگی‌ها و آرمان‌های یک ملت در برابر تهدیدهای بیرونی و درونی بود. مجموعه این آثار، امروزه در قالب مفهومی کلی با عنوان «ادبیات مقاومت» یا «ادبیات پایداری» شناخته می‌شود (ر.ک. چهرقانی، ۱۳۹۶: ۲).

در جهان عرب نیز از اواخر قرن نوزدهم، هم‌زمان با گسترش اندیشه‌های نوگرا و آشنایی با جریان‌های ادبی غرب، نویسندگان و شاعران به بازنمایی واقعیت‌های تلخ اجتماعی و سیاسی جوامع خود پرداختند و شعر و نثر آنان به آینه‌ای از تحولات پرشتاب زمانه تبدیل شد. این دوره با افزایش درگیری‌ها، انقلاب‌ها، جنبش‌های آزادی‌خواهانه و دگرگونی‌های عمیق سیاسی، اجتماعی و تمدنی همراه بود که به‌ویژه در بستر جنگ اعراب و اسرائیل، به شکل‌گیری ادبیات پایداری فلسطین انجامید (ر.ک. جهانی و نومحمد نهال، ۱۳۹۶: ۹۴).

بر این اساس، ایران و فلسطین را می‌توان از جمله جوامعی دانست که سابقه‌ای طولانی در مقاومت و ایستادگی در برابر سلطه و تجاوز دارند؛ مقاومتی که بخش قابل توجهی از پویایی و تداوم آن، وامدار نقش شعر و ادبیات متعهد و همراهی با جنبش‌های مردمی است. شاعران انقلابی در هر دو جامعه، با هم‌سویی با آرمان‌های جمعی، توانسته‌اند ادبیات را به ابزاری مؤثر در تقویت روحیه پایداری، حفظ حافظه تاریخی و انتقال ارزش‌های مقاومت بدل سازند. از این منظر، بررسی تطبیقی ادبیات پایداری در ایران و فلسطین، به‌ویژه از حیث مضامین، رویکردها و شیوه‌های بازنمایی مقاومت، اهمیتی دوچندان می‌یابد. در این میان، سیمین بهبهانی و فدوی طوقان، به‌عنوان دو شاعر زن شاخص در عرصه ادبیات مقاومت ایران و فلسطین، جایگاهی ویژه دارند. واکاوی و مقایسه مؤلفه‌ها و مضامین پایداری در شعر این دو شاعر، می‌تواند ابعاد تازه‌ای از اشتراک‌ها و تمایزهای ادبیات مقاومت در دو بستر فرهنگی متفاوت را آشکار سازد. بر همین اساس، پژوهش حاضر می‌کوشد با خوانش تحلیلی اشعار پایداری سیمین بهبهانی و فدوی طوقان و تمرکز بر مؤلفه‌های مشترکی چون آزادی‌خواهی، وطن‌دوستی، دشمن‌ستیزی و دیگر شاخصه‌های مقاومت، به تبیین بخشی از وجوه همسانی و تفاوت‌های احتمالی ادبیات پایداری در ایران و فلسطین بپردازد و سهم شاعران زن را در شکل‌دهی به این گفتمان ادبی برجسته سازد.

۱-۲- سؤال‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی که در این مقاله مطرح است عبارتند از:

- ۱- مهمترین وجوه اشتراک و احیاناً اختلاف این دو شاعر در پرداختن به مضامین پایداری چیست؟
- ۲- مهم‌ترین ابزارهای زبانی و بیانی مشترک در بازنمایی مفاهیم پایداری در اشعار سیمین بهبهانی و فدوی طوقان چیست؟

۱-۳- فرضیه‌های پژوهش

- ۱- اهتمام هر دو شاعر به انعکاس آلام و دردهای سرزمین و ملتشان و برانگیختن روح غیرت، همت و وطن‌پرستی، زمینه ساز ظهور مضامین و معانی مشترکی همچون آزادی، وطن‌پرستی، استعمارستیزی، پایداری، شهید و شهادت و ... در اشعار آنهاست.
- ۱- به نظر می‌رسد سیمین بهبهانی و فدوی طوقان با بهره‌گیری از ابزارهای زبانی مشترک همچون روایت‌گری زنانه و استفاده از قالب‌های شعری خاص، نمادپردازی و ... توانسته‌اند مفاهیم پایداری را به‌صورت مؤثر در اشعار خود بازتاب دهند.

۱-۴- پیشینه پژوهش

درباره‌ی این دو شاعره معاصر ایران و فلسطین، پژوهش‌های مستقل چشمگیری صورت گرفته است که برخی از آن‌ها به شرح زیر است: احمدی، علی (۱۳۹۱) در پایان نامه خود با عنوان بررسی مبانی ادبیات مقاومت عرب با تکیه بر اشعار سپیده کاشانی و فدوی طوقان به بررسی و مقایسه مؤلفه‌های پایداری مشترک در اشعار این دو شاعر پرداخته است. ابراهیم تبار، ابراهیم (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار سیمین بهبهانی به مهمترین مؤلفه‌های پایداری در شعر سیمین اشاره می‌کند. سیدی، سید حسن و سالم، شیرین (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان مؤلفه‌های پایداری در شعر فدوی را بررسی و تبیین نموده‌اند. محمدی، غفار (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان بررسی تطبیقی رویکرد مضمونی ادبیات پایداری در ایران و فلسطین، بطور کلی مضامین پایداری مشترک در اشعار فارسی و عربی را مورد بحث و پژوهش قرار داده و محمدپور،

زهر (۱۳۹۴) در پایان نامه خود تحت عنوان بررسی و تحلیل درون‌مایه‌های اشعار سیمین بهبهانی به مهم‌ترین مضامین موجود در اشعار سیمین پرداخته‌است. اما در باب بررسی و مقایسه مؤلفه‌های پایداری در اشعار پایداری سیمین بهبهانی و فدوی طوقان تا کنون پژوهشی صورت نگرفته‌است.

۱-۵- روش پژوهش

این پژوهش از نوع کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده‌است. داده‌ها از طریق مطالعه کتابخانه‌ای گردآوری گردیده و در گستره ادبیات تطبیقی و بر اساس رویکرد مکتب آمریکایی - که الزام ارتباط تاریخی مستقیم میان دو اثر را ندارد- تحلیل شده‌اند.

۱-۶- اهداف و ضرورت پژوهش

با توجه به اهمیت موضوع ادبیات پایداری در زندگی امروز ما و مسائل اشغال کشور فلسطین و ناآرامی‌های کشورهای حوزه خاورمیانه در دوره‌ی معاصر، بحث از تأثیرگذاری ادبیات پایداری و تأثیر اشعار در برانگیختن مردم علیه فساد حکام و اشغال ظالمان، ضروری به نظر می‌رسد. همچنین با توجه به نقش ادبیات پایداری در تقویت هویت ملی، آگاهی بخشی، و مقابله با اشغال‌گری، بررسی تطبیقی اشعار بهبهانی و طوقان، مسیر را برای تحقق اهداف ذیل هموار می‌سازد:

شناخت عمیق‌تر از نقش زنان شاعر در ادبیات مقاومت
تحلیل تفاوت‌های فرهنگی و سیاسی در شکل‌گیری ادبیات پایداری
درک ظرفیت ادبیات در ایجاد اتحاد و هم‌صدایی میان ملت‌ها
بررسی رویکردهای هنری در بازنمایی درد، امید و اعتراض

۲- بحث و بررسی

۲-۱- بررسی وجوه اشتراک در شعر پایداری سیمین بهبهانی و فدوی طوقان

اشعار پایداری سیمین و فدوی به عنوان بخشی از ادبیات پایداری ایران و فلسطین در انعکاس اوضاع جبهه‌های نبرد با متجاوزین، نقش پررنگی دارند. قابل ذکر است اینگونه اشعار که از مهم‌ترین موضوعات اجتماعی نیز به شمار می‌روند همواره از جایگاه ویژه‌ای در میان پژوهشگران برخوردار بوده‌اند. لذا بی‌شک بررسی و مقایسه مؤلفه‌های پایداری در اشعار سیمین و فدوی بیانگر وجوه تازه‌ای از مضامین و اشتراکات ادبی و فرهنگی میان دو ملت ایران و فلسطین است.

۲-۱-۱- شهید و شهادت

از سالیان دور تقدیس شهادت به عنوان فرهنگی اصیل و همچنین دستاوردی مهم در امر آزادی و رهایی از ظلم و تحسین شهید به عنوان کسی که در این راه از جان خود دریغ نکرده در شعر و ادب فارسی رواج داشته‌است. و در تعریف آن گفته شده: «شهادت بالاترین و آخرین مرحله از خودگذشتگی و ایثار بوده و جوهره آن عاشق، مختار، با اراده و هدف‌مند بودن است» (طالب نژاد، ۱۳۸۹: ۹۰). سیمین بهبهانی نیز از جمله شاعرانی است که این مهم را درون‌مایه برخی از اشعار خود قرار داده و درباره قدر و منزلت شهدای انقلاب و جنگ تحمیلی اشعار سروده‌است. در یکی از اشعار وی جمله «شهید قلب تاریخ است» از دکتر شریعتی که در سال‌های انقلاب بسیار رواج یافته‌بود، سرلوحه شعری به همین نام از بهبهانی شد که از ابتدا تا پایان به توصیف شهید پرداخته‌است:

او	قلب تاریخ است	محتاج	دفتر نیست
او	روح ایمان است	جز	عین باور نیست
خورشید	می جوشد	از	سینه اش گویی
او	غرقه در نور است	در	خون شناور نیست...
بر	تارکش بنگر!	چون	ارغوان، زخمی؛
تاج	شهیدان را	خون هست	و زیور نیست

(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۵۹۳-۴۹۴).

فدوی نیز در مجموعه شعر "علی قمة الدنيا وحیداً- بر بام دنیا تنها" عظمت والای شهیدان را به تصویر می‌کشد و خطاب به شهید می‌گوید:

أسند رأسك الشامخه/ اليوم على القبه/ فالصخرة في القدس أحتوتك الآن حين/ الموت أعطاك الحياة/ أنت يا موقظ الدنيا التي/ عفت قشرا (طوقان، ۲۰۰۵: ۸۲-۸۵).

معنی: سرِ سر بلندت را/ بر قبه تکیه بده/ صخره قدس در برت می‌گیرد/ زیرا مرگ، زندگانیست بخشیده‌است/ ای بیدار کننده دنیایی که/ پوستش را تعفن برداشته‌است.

۲-۱-۲- تاکید بر آزادی

از آنجایی که سیمین بهبهانی، از لحاظ سیاسی در برهه حساسی می‌زیسته‌است و اوج شاعری او به سال‌های اعتراضات ایران به نظام سلطه شاهنشاهی و در پی آن، انقلاب اسلامی باز می‌گردد، نسبت به مسائل سیاسی و معضلات اجتماعی دورانش بی تفاوت نبوده و همواره تلاش می‌کرد با بازگویی مشکلات سیاسی و به ویژه خفقان‌های شدید سال‌های آخر نظام شاهنشاهی زبان گویای مردم کشورش شود و افزون بر انعکاس اتفاقات ناگوار کشور در حیطه شعر و ادبیات، اندوه قلبی‌اش را نیز بیان کند (محمود و همکاران، ۱۳۹۹: ۸۳). شرایط خفقان آور آن دوران باعث شد، آزادی یکی از دغدغه‌های همیشگی ذهن سیمین شود و او نیز همچون سایر شاعران ستایشگر آزادی، در برابر رژیم طاغوت که آزادی را از مردم گرفته بود، سخت به انتقاد پرداخت و اشعار زیادی در ستایش آزادی سروده و یک دفتر را نیز با عنوان "یک دریچه آزادی" نام گذاری نموده‌است:

یک	دریچه	آزادی	باز	کن	به	زندانم
یک	سبو	پر از شادی	خرج	کن	که	مهمانم
عشق	می رسد	از راه	پیش	او	سخن	کوتاه
در	نماز خون	شعری	با	حضور	می	خوانم

(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۸۳۵)

فدوی نیز در اشعار حماسی خود برای رسیدن به آرمان حقیقی خود که همان آزادی‌است، بیا می‌خیزد و در این راه، حتی از فدا کردن جانش و ریختن خون خود برای حفظ خاک پاک و مقدس میهنش ابایی ندارد و این گونه ندا سر می‌دهد:

قمتُ أثورُ مع الثائرين/ لأحطمَ نیرَ عبودیتی/ وأرخصَ تحت عجاج الكفاح/ دمانی من أجل حُریتي

و حاربتُ یا لیل، حاربتُ من أجل/ حرية الوطن العربي... سأبقي أكافحُ صلب الجناح/ بوجه الحياة الجریء القدم/ وإتی حطمتني الحياة فحسبي/ أني صمدتُ فلم أنهزم.../ یکافح مثلي لأجل الخلاص/ ویرنو إلى عالم أفضل... (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۵۵).

معنی: و به پا خواستیم تا با انقلابیون به مبارزه پردازم/ تا یوغ بندگی خویش را بشکنیم و زیر غبار مبارزه، خون من که برای آزادی ریخته می‌شود، کم بهاست/ ای شب، من به خاطر آزادی وطن عربی جنگیدم/ با بال‌های محکم به مبارزه و جهاد در برابر زندگی جسور و بی باک ادامه خواهم داد/ همانا زندگی مرا در هم شکست/ پس برای من کافی است که مقاومت کنم تا شکست نخورم / همچون من برای رهایی مبارزه می‌کند و چشم به جهانی برتر دوخته‌است.

۳-۱-۲- نوستالژی وطن

"عنصر حسرت، زیر بنای غم غربت (نوستالژی) را تشکیل می‌دهد و این دو شاعر وطن دوست نیز هر دو در حسرت دوری از وطن و عزیزان به سرایش شعر پرداختند:

بهبهانی از مدافعان دلیر خونین شهر در مجموعه «خطی ز سرعت و از آتش» در شعر "بروید تا بمانم" یاد کرده‌است و در حسرت دور شدن از وطن چنین می‌گوید:

بروید تا بمانم، بروید تا بمانم	که من از وطن جدایی، به خدا نمی‌توانم
چو مجال تن شود طی، چو بریزم رگ و پی	تو همان حکایت نی، شنوی ز استخوانم
شب غربت ارچه رنگین، ز بلور و نور و آذین	به چه کار آیدم این، که در او نه شادمانم
	(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۶۲۱)

طوقان نیز برای مرور خاطراتش به صداها پناه می‌برد، به یاد قهقهه‌های شادمانه‌ای که در سرزمینش سر داده، سعی در بازگشت دارد:

یغرقنی فی لجه الحنین/ و با الحنین و الذکر/ افزع یا صغیرتی الی الشریط/ و یملأ المكان صوتک الصغیر:/ خذونی الی ایسان/ الی صیعتی الشثائیه/ الله یا بیسان/ کانت لنا ارض هناک.../ و زقرقات ثحک هناک (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۹۴).

معنی: شوق بازگشت در خود غرقه‌ام می‌سازد/ و با شوق و خاطره به نوار کاست پناه می‌برم/ ای کودک من صدای کودکانه تو/ در همه جا طنین انداز می‌شود: مرا به بیسان ببرید/ به خانه‌ی زمستانی‌ام/ خداوند! ای بیسان! آنجا زمینی داشتیم/ آنجا قهقهه شادمانه‌ای داشتیم.

۴-۱-۲- امید رهایی

امید کلید طلایی برای گشودن بن بست‌هاست و هر رنج و اندوهی با داروی جان بخش امید، تحمل‌پذیر است، و استفاده از کلمات امیدبخش به رهایی و پیروزی، روح تازه‌ای را به کالبد هموطنان القا می‌کند.

بنابراین بهبهانی پس از بیان کردن دردها و رنج‌های جامعه در قالب بیماری و زندگی روزمره، به زندانیان و هم‌بندهای خسته خویش، پایان این دوران را نوید می‌دهد، زیرا معتقد است ریشه‌دار بودن آنان مانع از نابودی درخت خزان زده وطن می‌شود.

هم‌بندهای خسته و رنجورم	پوسیدنی است بند شما دانم
فردا گل امید بروید باز	در قلب دردمند شما دانم
گیرم درخت رنگ خزان گیرد	تا ریشه هست، ساقه نمی‌میرد
	(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۸۹)

فدوی نیز به ملت خود، این گونه امید می‌دهد که اگر دست به دست هم دهند، دشمن با تمامی ظلم و ستم‌ها و رفتارهای اهریمنانه‌ی خود، هرگز نخواهد توانست آنها را از پای درآورد و سرزمینشان را از آنها بگیرد. او زیستن را به همراه آزادی در این سرزمین به هم میهنانش نوید می‌دهد:

لن يستطيعوا يا حبيبا/ أن يفتأوا عينيك، لن/ ليقتلوا الأحلام والأمل/ وليصلبوا الضحكات مم أطفالنا/ ليهدموا، ليحرقوا، فمن شقائنا/ من لزوجة الدماء في جدراننا/ من اختلاج الموت والحياة/ ستبعث الحياة فيك من جديد/ يا جرحنا العميق أنت يا عذابنا/ يا حبنا الوحيد (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۹۱-۴۹۰).

معنی: ای محبوب ما، هرگز نخواهند توانست / که چشمان تو را کور کنند، هرگز/ باید رؤیایها و آرزوها را بشکنند و آزادی ساختن و اقدام ما را از بین ببرند/ و خنده ها را از کودکانمان باز ستانند و ویران کنند و بسوزانند/ پس از بدبختی و اندوه بزرگ ما، از چسبندگی خون بر دیوارهای ما/ و از آمیختگی مرگ و زندگی/ به زودی دوباره زندگی و حیات در تو بر انگیزخته خواهد شد/ ای زخم عمیق ما، تو ای رنج ما/ ای عشق یگانه ما.

۵-۱-۲- عشق به وطن و وطن دوستی

سیمین میهن پرستی و عشق به وطن، را به عنوان درون مایه‌ای برای شعر معروفش به نام "دوباره می‌سازمت وطن" استفاده نموده‌است. و در زمانی که وطن آزرده خاطر از حملات پیاپی دشمن و به خون غلتیدن جوانان میهن بود، او همواره به اشعار پایداری خود ادامه داده و به پاره‌های تشش وعده‌ی آبادی ویرانه‌های میهن را می‌دهد:

دوباره می‌سازمت وطن اگرچه با خشت جان خویش	ستون به سقف تو می‌زنم، اگرچه با استخوان خویش
دوباره می‌بویم از تو گل، به میل نسل جوان تو	دوباره می‌شویم از تو خون به سیل اشک روان خویش
دوباره یک روز روشن، سیاهی از خانه می‌رود	به شعر خود رنگ می‌زنم، ز آبی آسمان خویش
حدیث «حُبُّ الوطن»، ز شوق بدان روش سازم	که جان شود هر کلام دل، چو برگشایم دهان خویش
هنوز در سینه آتشی، به جاست کز تاب شعله اش	گمان ندارم به کاهشی، ز گرمی دودمان خویش
دوباره می‌بخشی ام توان اگرچه شعرم به خون نشست	دوباره می‌سازمت به جان اگرچه بیش از توان خویش

(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۷۱۱)

طوقان هم در سروده‌ی زیر آن قدر به وطن عشق می‌ورزد که حاضر است همه چیز را در راه آن قربانی کند:

يا فلسطين اطمئني/ أنا و الدّار و أولادی قرابین خلاصك/ نحن من أجلك نحيا و نموتُ ... (طوقان، ۱۹۵۴: ۵۴۵)

معنی: ای فلسطین آسوده خاطر باش/ که من، خانه و فرزندانم همگی در راه رهایی تو قربانی خواهیم شد/ ما تنها به عشق تو زنده‌ایم و می‌میریم

۶-۱-۲- جنگ

بعد از تهاجم کشور عراق به خاک ایران و آغاز جنگ نابرابر، بر خلاف خواست مردم ایران، نگاه سیمین به مقوله جنگ، با دیدن شهادت فرزندان وطنش، تغییر می‌کند، او پس از رویداد ویرانگر جنگ با به کار بردن واژه «مبادا» به عنوان خط قرمز یاد می‌کند. اما هنگامی که می‌بیند این خط قرمز توسط دشمن زیر پا گذاشته شده، با لحنی حماسی خواستار رویارویی در مقابل دشمن می‌شود. وی با بیان اینکه ما ملتی صلح دوست هستیم، بیان می‌دارد که این جنگ و ستیز خواست دشمن است و ما ناچار به این جنگ گشتیم:

ما نمی‌خواستیم، اما هست	جنگ این دوزخ شررزا هست
گفته بودم که: هان، مبادا؛ جنگ	دیدم اکنون، که آن مبادا هست
خصم چون ساز کج مداری کرد	کی دگر فرصت مدارا هست؟

(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۶۱۳)

فدوی نیز در یکی از اشعارش مصیبت‌های حاصل از جنگ در سرزمین‌های اشغالی را به مصائب مردمی تشبیه می‌کند که در جنگ جهانی گرفتار عقاید نازی‌ها شده‌اند و تفر خود را از جنگ اعلام می‌کند. وی این شعر را خطاب به دو کودک آواره در کرانه‌ی شرقی سروده‌است.

أخشی علی دنیاکم الصغیره/ من قصص السجین و السجن/ من قصص النازی و النازیة/ فی أرضنا/ فإنها رهیبة/ یشیب یا أحتی لهولها الوالدان (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۹۷).

معنی: از دنیای کوچک شما می‌ترسم/ از قصه‌های زندانیان و زندانبان‌ها/ از قصه‌های نازی‌ها و نژادپرست‌ها / در سرزمین‌مان/ همانا این سرزمین پر از ترس و بیم است/ (بطوریکه) ای عزیزانم کودکان از شدت ترس و هراس پیر می‌شوند.

۷-۱-۲ - مبارزه و جان‌فشانی

سیمین بهبهانی رزمندگان را به مقاومت و پایداری دعوت می‌کند و با یادآوری آرمان و هدف آن‌ها در دفاع مقدس از آنان می‌خواهد برای مبارزه از هیچ کوششی دریغ نورزند. او از مبارزان می‌خواهد حتی با چنگ و دندان هم شده در مقابل دشمن غاصب پایداری کنند. که در این رابطه باید سیمین را شاعری پیروز قلمداد کرد. چراکه نوع آوری‌های او در حوزه ادبیات پایداری قابل ستایش است.

با نزدیک شدن پیروزی انقلاب، شور و هیجان مردم برای نابودی سلطنت بیشتر و بیشتر می‌شد و مبارزان با آمدن در کوچه و خیابان‌ها، فریاد الله اکبر سر می‌دادند؛ از طرفی رژیم که خطر سقوط را بیش از پیش احساس می‌کرد، برای تثبیت موقعیت خود، عرصه را برای آنان تنگ‌تر می‌نمود ولی مردم هراسی نداشتند و با قدرت و پافشاری بیشتری فریاد می‌زدند. در آن زمان بود که شاعر با ورود به این عرصه، این گونه سرود:

تکبیر گوبه هر سو، فریاد خوان به هر کو این تیر بود و آن هم؛ تن را گرفت و جان هم
وحشت فرا شبی بود، نفرین بر هر لبی بود کای مرگ و ننگ و نفرت، بر آیت ستم باد
(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۵۸۹)

فدوی نیز در شعری از مجموعه‌ی "وحدی من الأيام" جوانان را به مبارزه می‌خواند و می‌گوید:

ستجلی الغمره یا موطنی و یمسح الفجر غواشی الظلم
فالجوهر الکامل فی امتی ما یأتلی یحمل معنی الضرم
هو السباب الحرّ ذخر الحمی القیظ المستوفر المنتقم
لن یقعد الأحرار عن نارهم و فی دم الأحرار تغلی النقم
(طوقان، ۱۹۵۵: ۱۳۷)

معنی: میهنم! تیرگی‌ها زدوده خواهد شد و سپیده دم پیروزی پرده‌های ستم را کنار خواهد زد. جوهره کامل انسانیت در امت نهفته است؛ مادامی که در جوش و خروشند. آن جوان آزاده که ذخیره و پاس دار حریم میهن است، پیوسته بیدار، آماده و انتقام جوست. آزاده مردان هرگز از انتقام ستاندن دست بر نمی‌دارند و انتقام در خون ایشان می‌جوشد

۸-۱-۲ - نابرابری و ظلم

پایداری در برابر ظلم تا حد مرگ نیز از جلوه‌های ظلم ستیزی در اشعار سیمین است آنجا که می‌گوید:

چندان که بایست خوانده و از نغمه گوهر فشانده
وامش به گردن نمانده دیگر چه پروا؟ بمیرد
این گونه مرگ قناری زیبا بود، آه! آری!
بگذار زیبا بخواند، بگذار خوانا بمیرد
(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۴۰۷).

فدوی در قصیده "کلمات من الصفة الغریبه" برای اشاره به دشمن، از لفظ "طاعون" استفاده کرده است زیرا از نظر او ظلم و ستم آنان، همچون سرخی واگردار، جامعه‌ی فلسطین را دچار مشکلات بسیاری کرده؛ وی با تکرار لفظ "الأمطار: باران" و فعل امر "لتنزل: باید بیارد" بعد خطابی به آن داده و منادی اعتراض به وضع موجود جامعه شده است:

یومَ فشا الطَّاعونُ فی مدینتی ... أهتِف من قرارة الأحزان بالریاح/ هتیی وسوقی نحونا السَّحاب یا ریاحُ/ و أنزلی الأمطارَ/ تُطهِّرُ الهواءَ فی مدینتی/ و تغسِلُ البیوتَ و الجبالَ و الأشجارَ/ و لتنزِلِ الأمطارا! / و لتنزِلِ الأمطارا! (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۸۴-۴۸۳)

معنی: در روزی که طاعون در شهر من پیچید ... از مرکز اندوه‌ها بر باده‌ها فریاد می‌زنم، ای باده‌ها! بوزید و ابرها را بسوی ما برانید/ و باران‌ها را بیارنید/ تا هوا را در شهر من پاکیزه گرداند/ و خانه‌ها و کوه‌ها و درختان را بشوید/ باران‌ها باید بیارند! باران‌ها باید بیارند!

۹-۱-۲- همدردی بین‌المللی

گسترش و پیچیدگی روز افزون استعمار از یک طرف و همچنین لزوم افزایش آگاهی مردم در جهت مبارزه با آن، از جمله مسائل بسیار مهمی است که توجه بسیاری از شاعران را به خود جلب کرده و این مسئله نشان دهنده یک درک عمیق و واقع بینانه نسبت به واقعیت‌های جامعه جهانی و بین‌المللی است. در سال ۱۳۶۱، وقتی دو منطقه فلسطین به نام «صبرا و شتیلا» قتل‌عام شدند، سیمین با مردم فلسطین ابراز همدردی کرده و در گفتگوی خود با فردی خیالی به نام «سارا» صحبت کرده و اندوه خود را این‌گونه اظهار می‌کند:

سارا چه شادمان بودی، با بقچه‌های رنگینت	شال و حریر و ابریشم، کالای چین و ماچینت
با قوم خود بگو: سارا! هرگز نبوده تا امروز	یک لحظه خشم و بیزاری، با مردم فلسطینت
سارا گریستی آتش، بر قتل‌عام خونباری	صهیون نشان دوزخ شد، از شعله‌های نفرینت
سارا جنازه‌ها اکنون، افتاده بر زمین عربیان	برکش - اگر کفن داری، از بقچه‌های رنگینت

(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۷۲۸)

به نظر می‌رسد سارا همان «ساره» نماد دختران مبارز فلسطینی در شعر هارون هاشم رشید یکی از برجسته‌ترین شاعران مقاومت فلسطین است که همزمان با سیمین می‌زیسته. فدوی نیز در بخشی از سروده "کوابیس" با اشاره به شرایط ناراحت‌کننده‌ای که استعمار در کشورهای تحت سلطه‌اش حاکم کرده بود، پاره‌ای از این جنایات را به تصویر کشیده و از کشت و کشتار بی رحمانه‌ای که در ویتنام جاری است سخن می‌گوید و این که عمق جنایات تا حدی است که خبرگزاری‌های عالم را متأثر می‌سازد و شاعر با گفتن اینکه مرگ در اطراف مردم ویتنام در گردش است، ابراز ناراحتی می‌کند.

أَفْتَحُ مِذیاعی و أَطَوِّفُ فی جنباتِ المعمورة/ الوحشُ الأسطوریُّ الأعمی یأکلُ نفسها/ الموتُ یحوِّمُ فی بلفاست/ رأسُ کالزهرة ذهبیة/ قَطَطَتْهَا قُبْلَةُ زَمِیة/ فی فیتنام/ الحزنُ الیومیُّ یلقحُ أرضَ فیتنام/ تترَعْرِعُ بسماذ النابالم/ فی کلِّ مکانٍ طیرُ الموتِ/ ینسبُ مخلبه المعقوفَ بغلغله/ تَنثَرُ عَبْرَ بَرِیدِ العالم (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۲۸).

معنی: رادیو را باز کردم و در گوشه و کنار دنیا سیر نمودم/ غول اسطوره‌ای نا بینا خودش را می‌خورد/ مرگ در بلفاست دور می‌زند/ سر مانند شکوفه طلایی است/ که بمب ساعتی آن را می‌چیند. در ویتنام/ اندوه روزانه سرزمین ویتنام را بارور می‌کند/ کود بمب ناپالام را می‌پراکند/ پرنده‌ی مرگ در هر مکان/ جنگال پیرش را می‌آویزد و نفوذ می‌کند/ و از طریق خبرگزاری‌های عالم پخش می‌شود.

۲-۲- ابزارهای زبانی مشترک

۹-۲-۲- زبان زنانه در اشعار پایداری سیمین بهبهانی و فدوی طوقان

در مسیر جریان‌های شعر معاصر زنان ایران و عرب، جریان شعری مقاومت را می‌توان شاخص‌ترین جریان مشترک این دو حوزه ادبی دانست (بیژنی‌فر، ۱۳۹۶: ۳۳۶). یکی از نقش‌های مهم زنان در دوره جنگ و بعد از آن، نقش همسر شهید بودن است و سیمین در این زمینه احساس ترس و اضطراب زنی که همسرش راهی جبهه نبرد می‌شود به خوبی به تصویر کشیده است. ترس از دست دادن مردی که تکیه‌گاه زندگی اوست:

هراس بیوگی به چشمت
نشسته است و خود عجب نیست
که در امان نمی‌توان زیست
پناه سقف بی ستون را
(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۸۶۶)

همچنین سخت‌ترین و دردناک‌ترین تجربه داغ دیدگی که می‌تواند برای یک زن اتفاق بیفتد، داغ از دست دادن فرزند است؛ سیمین در شعر گردن آویز، این غم و اندوه مادر شهید را از فقدان فرزندش به روایت کشیده است؛ مادری که با پریشان حالی، رویای حضور فرزندش را بر شانه‌هایش آویخته است:

یک جفت اشک و نفرین را، سرباز مرده پوتین را
آویز کرده بر گردن، بندش به هم گره خورده
گفتم که: چیست این معنی؟ خندید و گفت: فرزندم
طفلك نشسته بر دوشم، پوتین برون نیاورده
(همان: ۸۷۰)

فدوی نیز در اشعار خود از این سبک استفاده نموده و او بین خاک و مادر ارتباط عمیق ایجاد کرده است تا جایی که این دلالت‌ها بجای یکدیگر نیز بکار برده شده و هدف شاعر از آوردن این عبارات، نشان دادن نقش تاثیرگذار و حیاتی زنان در تداوم جریان مقاومت است.

إفتحی صدرک یا أرض الجدود/ إفتحی صدر الأمومه/ واحضنیها فالقربین غوالی (فدوی، ۲۰۰۵: ۵۳۵).

معنی: آغوشت را بگشای ای سرزمین نیاکان/ آغوش مادری‌ات را / و در آغوش بگیر که این قربانی‌ها سخت‌گران بهایند.

پیوندی که طوقان بین مادر و وطن برقرار کرده، یک پیوند طبیعی است؛ زیرا هر دو شاهد رشد و تربیت فرزندان خود هستند. و فدوی با به تصویر کشیدن گفت و گوی محبت‌آمیز مادر با فرزند مبارز و دل‌بندش و نیز با برقراری پیوند میان زمین و مادر، عشق خود به وطن را به مخاطبان‌اش اظهار می‌دارد. و نشان می‌دهد که وطن در نگاه مادر، عزیزتر از فرزند و در نگاه فرزند، عزیزتر از مادر است:

یا ولدی/ یا کبدي/ من أجل هذا اليوم/ من أجله ولدتك/ من أجله أرضعتك/ من أجله منحتك/ دمی و کلّ التبص/ و کلّ ما یمكن أن تمنحه أمومه/ یا ولدی، یا غرسه کریمه/ اقتلعت من أرضه الکریمه/ اذهب، فما أعز منك/ یا بیي إلا الأرض (همان: ۵۰۹).

معنی: ای فرزندم/ ای جگر گوشه‌ام/ به خاطر امروز/ به خاطر آن زاییدم/ به خاطر آن شیر دادم/ به خاطر آن بخشیدم/ ای فرزندم! ای نهال گران‌بهای که/ از بستر با ارزشت کنده شدی/ ای پسر، برو، چه چیزی عزیزتر از تو به جز زمین است؟

۲-۲-۲- مضماین قرآنی

هر دو شاعر به خوبی توانسته‌اند اشعار خود را به زیور الفاظ و مشامین قرآنی بیارایند و زیبایی اشعار خود را دوچندان کنند. به طوری که در شعرهای مربوط به جنگ این دو شاعر، اشاره‌هایی به عناصر و آیات قرآن وجود دارد

۱-۲-۲- اقتباس از معانی

سیمین در یکی از غزل‌های مربوط به حوزه پایداری را با ترجمه آیه‌ای از قرآن آغاز می‌کند:

قسم به انجیر و زیتون و رستنی‌ها که دانی
(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۹۷۶)

به باغ نارستنی‌ها دگر خسی هم نروید

که ترجمه آیه «والتین و الزیتون» از سوره تین است.

فدوی نیز در عبارت زیر از معنای آیه «والتجم إذا هوی» (سوره نجم/ آیه ۱) استفاده کرده است:

بأی احتدام و عنف (فدوی، ۲۰۰۵: ۳۲۷).

و کالتجم أهوت هویاً

معنی: مانند ستاره افول کرد، چه سخت و شدید.

۲-۲-۲-۲- اقتباس از الفاظ

سیمین در برخی از اشعارش به آوردن یک عبارت قرآنی، بسنده کرده است. در بیت زیر عبارتی از سوره «مسد» استفاده شده است:

با شما آیت سیصلی هست (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۶۱۷)

خضم اگر با نشان بولهبی است

همچنین وی در یکی از ابیاتی که در وصف شهید و شهادت نوشته و شهید را در آن عامل پیروزی دانسته نیز، از آیهی "نصر من الله وفتح القریب" (پیروزی با یاری خداوند نزدیک است) استفاده کرده است

نزدیک شد - باری-
بی او میسر نیست
(همان: ۵۹۳).

او واژه فتح است
نصر من اللهت

فدوی نیز از لفظ «جحیم» از آیه «إنا أرسلناک بالحق بشیراً و نذیراً و لا تسأل عن أصحاب الجحیم» (بقره/ آیه ۱۱۹) استفاده نموده:

أواه یا قلباً یکابد الجحیم و القدر و لا مفرّ (طوقان، ۲۰۰۵: ۳۳۰).

معنی: آه از قلبی که جهنم و سرنوشت را تحمل می‌کند و هیچ گریزگاهی ندارد.

۲-۲-۳- روایت شعری

روایت نوعی شرح یا توضیح و تشریح عارضه یا الگوی کلی است (جهانی بهنمیری، ۱۳۸۹: ۹۰). در اشعار بهبهانی معمولاً راوی خود شاعر بوده و از عامیانه‌ترین شکل گفتار استفاده کرده است. بنابراین جهت‌گیری پیام به سوی گوینده است که کارکرد نقش عاطفی زبان را بیشتر می‌کند. برای مثال سیمین در یک روز از سال‌های جنگ تحمیلی به داروخانه یا مرکز درمانی رفته بود و در آنجا نوجوانی بیست ساله می‌بیند که یک پای خود را در جنگ از دست داده است. شاعر در مقام شخصیتی مخالف جنگ و در جایگاه مادری که احساس و عاطفه‌ای رقیق دارد. این صحنه‌ی دیدار را در غزلی وصف و گزارش کرده است. این روایت، روایت یک مشاهده‌ی شخصی از سیمین و باور اوست (مدرس زاده، ۱۳۹۷: ۵۶).

خشم است و طوفان نگاهش، یعنی تماشا ندارد
بسی نوجوان است و شاید، از بیست بالا ندارد
با آنکه ثبت حضورش، حاجت به امضا ندارد
این خوی گر با درشتی، نرمی تمنا ندارد
یعنی که با کاهش تن، جانی شکبیا ندارد

شلوار تاخورده دارد، مردی که یک پا ندارد
رخساره می‌تابم از او، اما به چشمم نشسته
تق‌تق‌کنان چوب دستش، روی زمین می‌نهد مهر
لبخندهمهرم به چشمش، خاری شدودشنه‌ای شد
بر چهره سرد و خشکش، پیداخطوط ملال است

گویم که با مهربانی، خواهم شکیبایی از او
پندش دهم مادرانه، گیرم که پروا ندارد
رو می‌کنم سوی او باز، تا گفت و گو کنم ساز
رفته‌است و خالیست جایش، مردی که یک‌پاندارد
(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۸۶۸)

فدوی نیز در اشعار خود با ظرافت تمام به آفرینش روایات شعری بسیار زیبا و بدیعی پرداخته‌است، که با بیانی ساده و صمیمی که به مخاطب، عمق حوادث و رویدادهای جاری در سرزمین اشغالی را نشان می‌دهد. او در قصیده‌ی «حمزه» علاوه بر قصه‌پردازی در قالب شعر، به بیان چگونگی و مواضع ایستادگی حمزه به عنوان یکی از مبارزان راه آزادی میهن می‌پردازد و شعرش را چنین آغاز می‌کند:

كان حمزة / أهدأ من بلدتي كالأخربن / طيباً يأكلُ خُبْزَه / يبيد الكدح كقومي البسطاء الطيبين (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۴۲).

معنی: حمزه یکی از هم محله‌ای‌هایم بود/ و همچون دیگر افراد خوب و ساده دل ملت، نان از دسترنج خود می‌خورد.

زمانی که نیروهای اشغالگر خانه‌ی حمزه را خراب و ویران می‌کنند، او باز هم از مسیر و هدف خود عقب‌نشینی نمی‌کند و اینبار با صدایی رساتر، فریاد وطن‌خواهی سر می‌دهد:

يا فلسطينِ اطمَئني / أنا و الدائرُ و أولادي قرابينُ خلاصك / نحنُ من أجليك نَحيا و نموتُ (همان: ۵۴۵).

معنی: ای فلسطین، آسوده خاطر باش/ من و خانه و فرزندانم فدای رهایی توایم/ ما به خاطر تو زنده می‌مانیم و می‌میریم.

ضمناً زمانی که فدوی این روایت را به پایان می‌برد، بیان می‌کند که حمزه همچنان زنده و پابرجاست و برای وطن خود و برای رسیدن به آزادی، همچنان به مقاومت خود ادامه می‌دهد و با سری افراشته، پیش می‌رود.

۴-۲-۲- رمز یا نماد

«رمز یکی از شاخص‌ترین شیوه‌های تصویرسازی شاعرانه به‌شمار می‌رود که توسط شاعر معاصر عرب ابداع شده‌است. این شیوه حاصل تلاش بی‌وقفه شاعر در کشف ابزارهای بیانی جدید زبان است، تا زبان شعر را غنی‌تر سازد و آن را قادر کند احساسات، عواطف، و ابعاد گوناگون نگاه شعری را - که با بیان مستقیم قابل توصیف نیستند - به‌صورتی عمیق و هنری منتقل کند.» (عشری زاند، ۲۰۰۳: ۱۰۴)

سیمین و فدوی نیز از این ابزار بیانی به وفور در اشعار پایداری خود استفاده کرده‌اند. مثلاً سیمین شب را نماد ظلم و ستم و فضای تاریک جامعه می‌داند.

شب نشسته با کینه‌ها در کمین‌گه سینه‌ها
وان شکسته آینه‌ها کار تیغ کاری کند
(مجموعه اشعار، ۱۳۹۵: ۴۰۵)

و در جای دیگری توده‌های یخ را نماد جامعه بی‌تحرك و خورکرده به ظلم و ستم می‌داند.

این توده‌های یخ را گر آفتاب گیرد
سامان خفتگان را یکباره آب گیرد
(مجموعه اشعار، ۱۳۹۵: ۳۳۹)

فدوی نیز در ابیاتی شب را نماد دشمن و ماه را نماد مردم مظلوم فلسطین قرار داده‌است:

يا ريفيقي نَحَرَ اللَّيْلِ القَمَرُ / أنتَ لو حَدَقْتَ في مرآتِ قلبي / لم تجد فيها مِقْرًا / لِسوى الوجهِ الذی هَسَمَهُ اللَّيْلِ / (طوقان، ۲۰۰۵: ۴۷۹)

ای دوست من شب سر ماه را بریده‌است،/ تو اگر به رخسار قلبم نگاه کنی/ در آنجا چیزی جز رخساری که شب آن را ویران ساخته نمیینی/.....

و در جای دیگری فدوی درخت را نماد امت عرب می‌داند:

تَصَادَى بِالْبُشْرَى الْأَنْبَاءُ : هَوَتْ الشَّجْرَةَ / وَجَذَعُ الطُّودِ تَحَطَّمْ، لَمْ تَبْقِ / الْأَنْوَاءُ / بَاقِيَةً تَحِيَاهَا الشَّجْرَةُ / هَوَتْ الشَّجْرَةُ؟ / تَمَدُّ بَعِيداً فِي
الْأَعْمَاقِ / سَتَقُومُ الشَّجْرَةُ / سَتَقُومُ الشَّجْرَةُ وَالْأَغْصَانُ / (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۱۹)

دشمنان به هم مژده می‌دهند / که درخت فروافتاد / و تنه بلند قامتش درهم شکست. / تندبادها چیزی - زمینی - باقی نگذاشتند / تا درخت بتواند در آن زندگی کند / درخت فروافتاد / درخت بر خواهد خاست / درخت و شاخه‌ها به پا خواهند خاست /

۳-۲- بررسی وجوه اختلاف در شعر پایداری سیمین بهبهانی و فدوی طوقان:

با بررسی تطبیقی که در اشعار سیمین بهبهانی و فدوی طوقان صورت گرفت مشخص شد علی‌رغم اشتراکات بسیار، وجوه اختلافی نیز در دیدگاه آنان دیده می‌شود که این تفاوت دیدگاه را می‌توان ناشی از تفاوت در شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر محیط زندگی سیمین و فدوی دانست.

۱-۳-۲- امید به رهایی

سیمین در برخی از اشعار خود رسیدن به پیروزی را، بازگشت امام خمینی دانسته و همچنین در جایی دیگر ظهور منجی عالم، حضرت مهدی را عامل رسیدن به پیروزی و رهایی می‌داند.

کسی که می‌گذرد اینجا	به دست شاخه گلی دارد
ز کوچه این شده معلوم	که رنگ و بوی دگر دارد
کسی که می‌گذرد اینجا	به دست مشعله‌یی دارد
بگو که پرده‌ی ظلمت را	ز روی غمگده بر دارد

(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۸۰۸).

و برای رهایی از اوضاع نابهنجار سرزمینش، ظهور شهسوار موعود را درخواست می‌کند.

نه انتظار است با ما، که قرن‌ها دادخواهی است
کجاست آن شهسواری، که آیداز ناکجا... آه!
(همان: ۶۳۰)

و فدوی طوقان رسیدن به رهایی و آزادی را در استقامت و پایداری ملتش در برابر دشمن اشغالگر می‌داند و همواره مردمش را به مقاومت دعوت می‌کند.

سوف تبدوا من خلال المِحْنِ / من رزایا الوطن / سوف تبدوا من ثنایا المعركة / و دخانُ الموت یلتفُّ جبالاً بجبال / و القرابین بساحات النضال / یطرقون الباب،
باب الأبدیة / و یأیدیههم ترابُ المعركة / الترابُ الطیبُ الطاهرُ رَوَاهُ الفداء / هذه الشعلةُ من قال ینالها الطغاةُ الغادرون / البغاة المجرمون / و هی إرثُ البشریة /
هبةُ الله السخیة (طوقان، ۲۰۰۵: ۱۶۵-۱۶۴).

معنی: آشکار خواهد شد از میان معرکه، در حالی که دود مرگ، کوه‌ها را یکی پس از دیگری احاطه می‌کند / و فداییان در میدان مبارزه، درهای ابدیت را می‌کوبند / و در دستانشان خاک میدان است / همان خاک پاک و طاهری که جانفشانی و فداکاری، آن را سیراب می‌کند / چه کسی گفته که این شعله را سرکشان دغل باز از بین می‌برند؟ / حال آنکه میراث بشریت است و عطای خداوند بخشنده. و در این راه در کنار مردم خود می‌ایستد.

و قُمْتُ أُتُوْرُ مَعَ التَّائِرِينَ / لِأَحْطِمَ نَبْرَ عُبُودِيَّةِي (همان: ۲۸۶).

معنی: و با انقلابیون به پا خواستم / تا یوغ بردگی ام را در هم شکنم.

۲-۳-۲- مرگ و زندگی

سیمین با وجود تمام سختی‌ها و مشکلات، زندگی را پاس می‌دارد و روح امید در اشعارش موج می‌زند و به امید پیروزی زندگی می‌کند:

زهدان افق بارور از نطفه ی نور است
خورشید جگرگوشه ی این ظلمت کور است
فرداست که از وسعت این بام کشد تن
آن صبح که از باور چشمان تو دور است
(بهبهانی، ۱۳۹۵: ۴۶۲)

و فدوی معتقد است که جسم برخاسته از خاک وطن است و باید به منشأ نخستین بازگردد تا به نحوی دیگر برانگیخته شود و در این راه به استقبال مرگ می‌رود.

یارب! إباحان حین الردی و انعتقت روحی من هیکلی / و اعتنقت نحوک مشتاقه تهفو الی ینبوعها الأول... / و بات هذا الجسم رهن الثری لقی علی ایدی البلی الجائرة / فلتبعث القدرة من تربتی زیتونة ملهمة شاعرة (طوقان، ۲۰۰۵: ۲۸-۲۵).

معنی: پروردگارا! آیا زمان مرگ فرا نرسیده است تا روحم از جسمم جدا شود / و مشتاقانه به توری آورد و به سوی منبع و منشأ نخستین خودش بشتابد... / و این جسم رهین خاک بماند و بر دستان ستمگر پوسیدگی بیفتد و بدان دچار شود / بنابراین باید قدرت و توان زندگی، از خاک من در قالب زیتونی با احساس، بر انگیزته شود.

۳-۳-۲- سرزنش و انتقاد

انتقاد و اعتراض سیمین متوجه رفتارهای رژیم حاکم خیانتکار است. زمانی که طاغوت انقلابیان مبارز را به شهادت می‌رساند، برای تحویل جنازه ی شهیدان، مبلغی را بابت گلوله سربیی به عنوان غرامت از خانواده‌ی شهید طلب می‌کردند! سیمین هم در برابر طاغوت ساکت نمی‌ماند و بارها در اشعارش به رفتار های ظالمانه‌ی رژیم اعتراض کرده و به افشاگری آن‌ها می‌پرداخت:

آن سرب برادر کش را
گویند که تاوان باید (بهبهانی، ۱۳۹۵: ۵۸۵).

او از دروغ و ریائی که بر جامعه‌اش حاکم بود و توسط حکومت ظالم آن زمان ساماندهی شده و سبب بی‌اعتمادی و سست شدن اعتقادات مردم و خصوصاً جوانان می‌شد، در شعر "مخوان... سخن می‌گوید:

مخوان مخوان غلط انداز دست شیطان را،
نمایشی ست که از پشت پرده دست کسی
به مرگ باور خود گریه می‌کنم، که هنوز
اگر چه نقش زند آیه های ایمان را
به رقص آورد این سایه های بی جان را
یقین نداشته حتی، وجود انسان را!
(همان: ۱۶۵-۱۶۴)

و انگشت اعتراض فدوی به سمت مردمی است که نسبت به اوضاع فلسطین بی توجه هستند و با اشعار خود می‌خواهد روح غیرت را در کالبد آنان بدمد. و حتی گاهی با الگو قرار دادن سربازان ویتنامی، مقاومت و پایداری را به مردم خود گوشزد می‌کند.

ماز لنا فی عُرْفِ التَّخْدِيرِ / علی سُرَرِ نِمْ / و العَامُ يَمُرُّ و رَاءَ العَامِ / و رَاءَ العَامِ و رَاءَ العَامِ / و الأَرْضُ تُمِيدُ بِنَا و السَّقْفُ يَهَيْلُ زَكَاةً فَوْقَ زَكَاةٍ / و الكَذِبُ يُعْطِنَا مِنْ قِمَّةِ هَامَتِنَا / حتى الأقدام / يا إخواننا قولوا حتام؟

آواه و آه یا فیتنام / آه لو ملیون محارب / مِنْ أَبْطَالِكْ / قَدْ فَتَهُمْ رِيحٌ شَرْقِيَّةٌ / فَوْقَ الصَّحْرَاءِ الْعَرَبِيَّةِ... / عَفْوًا يَا أَهْلَ الْبَيْتِ / جَارِحَةً هَذِي الْأَمْنِيَّةُ / لِكِنَّا لَمْ يَبِقْ لَدَيْنَا / مِنْكُمْ إِلَّا قَعَقَةُ الصَّوْتِ (طوقان، ۲۰۰۵: ۵۶۰-۵۵۹).

معنی: پیوسته در اتاق‌های غفلت زدگی/ بر روی تخت‌های غفلت می‌خوابیم/ و سال‌ها به دنبال هم می‌گذرد/ و سال‌ها به دنبال هم می‌گذرد/ زمین ما را می‌لرزاند/ و سقف‌ها پیوسته بر سرمان آوار می‌شود/ دروغ از فرق سر تا پاها، ما را فرا می‌گیرد/ ای برادران بگوید تا کی؟/ آه و افسوس ای ویتنام/ کاش یک میلیون جنگجو/ از قهرمانانت را/ باد شرقی می‌انداخت/ در صحرای عربی .../ ببخشید ای اهل بیت (مقصود عرب‌ها هستند)/ این آرزو گزنده است/ اما باقی نمانده‌است/ برای ما چیزی جز فریادهای توخالی شما.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی - تطبیقی به بررسی اشعار دو شاعر برجسته زن، سیمین بهبهانی و فدوی طوقان، نشان داد که با وجود تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و زمینه‌های زیست‌سیاسی، میان مؤلفه‌های ادبیات پایداری در شعر این دو شاعر، اشتراک‌های معناداری وجود دارد. ریشه‌های این اشتراک‌ها را می‌توان در تجربه‌های تاریخی مشترک ایران و فلسطین در مواجهه با استبداد داخلی و استعمار خارجی جست‌وجو کرد؛ تجربه‌هایی که به شکل‌گیری گفتمان‌هایی هم‌سو در حوزه مقاومت انجامیده‌اند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که مضامینی چون عشق به وطن، آرمان‌خواهی، روحیه مبارزه، تجلیل از شهادت، غم غربت و امید به رهایی در شعر هر دو شاعر حضوری پررنگ دارند و اغلب با زبانی ساده، عاطفی و مردم‌محور بیان می‌شوند. بهبهانی و طوقان با بهره‌گیری از زبان زنانه، روایت‌محوری، تلمیحات قرآنی و نمادهای فرهنگی و دینی، توانسته‌اند شعر خود را از سطح بیان فردی فراتر ببرند و آن را به رسانه‌ای اجتماعی برای برانگیختن آگاهی جمعی و تقویت حس همبستگی و مقاومت ملی تبدیل کنند.

اما از منظر قالب و شیوه بیان، تفاوت‌های قابل توجهی میان این دو شاعر دیده می‌شود. فدوی طوقان با بهره‌گیری از قالب‌های سنتی و نو، توانسته است مفاهیم پایداری را در ساختارهای بیانی متنوع بازتاب دهد. تمرکز گسترده او بر مضامین مقاومت سبب شده است که در ادبیات فلسطین به‌عنوان «شاعر مقاومت» شناخته شود و با القابی چون سندپانه (درخت بلوط) و زیتونه مبارکه - که از نمادهای برجسته جریان مقاومت‌اند - نشان دهنده پیوند عمیق شعر او با هویت مقاومت است. در مقابل، سیمین بهبهانی با تکیه بر تحول در قالب غزل، توانسته است این قالب کلاسیک را به ابزاری پویا برای بیان مسائل اجتماعی، سیاسی و انسانی بدل سازد. افزون بر این، بهبهانی در کنار پرداختن به مضامین پایداری، در حوزه‌های شعر عاشقانه، اجتماعی و سیاسی نیز صاحب‌سبک و تأثیرگذار است.

از سوی دیگر، تفاوت در نگرش این دو شاعر به مفهوم رهایی و پیروزی، بازتابی از تجربه‌های زیسته و افق‌های سیاسی متفاوت آنان است. فدوی طوقان، رهایی را حاصل ایستادگی مستمر ملت فلسطین در برابر اشغال می‌داند و در شعر خود رویکردی انتقادی نسبت به سکوت جامعه جهانی اتخاذ می‌کند. در مقابل، سیمین بهبهانی بیش‌تر به تحولات سیاسی و اجتماعی درون ایران چشم دارد و گاه رهایی را در قالب انتظار منجی یا بیداری جمعی تصویر می‌کند. از این رو، شعر بهبهانی سرشار از امید و پاسداشت زندگی، با همه تلخی‌ها و شیرینی‌های آن است؛ در حالی که طوقان، پیوندی عمیق میان جسم، خاک وطن و مرگ برقرار می‌کند و نوعی پذیرش آگاهانه فداکاری و شهادت را به تصویر می‌کشد.

در مجموع، نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که ادبیات پایداری در ایران و فلسطین، با وجود تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، از بنیان‌های مشترک انسانی و تاریخی برخوردار است. شعر سیمین بهبهانی و فدوی طوقان گواهی روشن بر این واقعیت است که ادبیات می‌تواند فراتر از مرزهای جغرافیایی، به زبان مشترک مقاومت، هویت و امید بدل شود.

منابع

۱. قرآن کریم، (۱۴۰۰)، ترجمه مهدی الهی قمشه‌ای، تهران: هلیا
۲. ابراهیم تبار، ابراهیم، (۱۳۹۶). تحلیل مؤلفه‌های پایداری در اشعار سیمین بهبهانی. نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان، دوره ۹، شماره ۱۶، بهار و تابستان؛ صص ۲۰-۱.
۳. ابن‌رسول، سید محمدرضا، (۱۳۸۳). با فدوی طوقان در سروده‌های آرمان‌گرا. فصلنامه دانشگاه الزهراء، س ۱۴، ش ۵۲، زمستان؛ ۲۳-۵۴.
۴. الجیوسی، سلمی خضراء، (۱۹۹۷). موسوعه الادب الفلسطینی المعاصر. بیروت: موسسه العربیه.
۵. باروتیان، حسن، (۱۳۸۷). شخصیت‌پردازی در داستان‌های کوتاه دفاع مقدس. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
۶. بهبهانی، سیمین، (۱۳۹۵). مجموعه اشعار. تهران: نشر نگاه.
۷. بیژنی فر، لعبت، (۱۳۹۶). جریان‌شناسی شعر معاصر زنان در ایران و دنیای عرب (با تکیه بر اشعار پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، طاهره صفار زاده، سیمین بهبهانی، نازک الملائکه، غاده السمعان، فدوی طوقان و سعاد الصباح). پایان‌نامه دکتری، دانشگاه الزهراء. ارومیه.
۸. تابنده، فاطمه. ظرافتکار، مهدی، (۱۳۹۴). بررسی جلوه‌های مقاومت در اشعار فدوی طوقان و سپیده کاشانی. همایش‌های بین‌المللی جستارهای ادبی، زبان و ارتباطات فرهنگی تهران، دوره ۱؛ صص ۲۶-۱.
۹. محمود، تمام. دزفولیان، کاظم. رضایی، ابوالفضل، (۱۳۹۹). مقایسه غزلیات اسماعیل صبری و سیمین بهبهانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. جهانی، محمد تقی. نورمحمد نهال، زهره، (۱۳۹۶). واکاوی بن مایه‌های ادبیات پایداری در شعر فلسطین و ایران (مورد پژوهانه: هارون هاشم رشید و حسین اسرافیلی). ادبیات پایداری، دانشگاه کرمان، سال ۹، شماره ۱۷، پاییز و زمستان؛ صص ۱۰۶-۸۷.
۱۱. چهرقانی، رضا، (۱۳۹۶). ادبیات پایداری در ایران بازشناسی مؤلفه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها. ادبیات پارسی معاصر، دوره ۷، شماره ۲، تابستان؛ صص ۳۳-۱.
۱۲. سیدی، سید حسن. سالم، شیرین، (۱۳۹۱). جلوه‌های پایداری در سروده‌های فدوی طوقان. نشریه ادبیات پایداری، دانشگاه ادبیات و علوم انسانی کرمان، دوره ۳، شماره ۶-۵، پاییز و بهار؛ ۲۰۸-۱۵۸.
۱۳. طالب نژاد کاسگری، محسن، (۱۳۸۹). شهادت نقطه‌ی عشق. تهران: زعیم.
۱۴. طوقان، فدوی، (۱۹۸۰). رحله جلیه، رحله منسیه. عمان: دارالشرق.
۱۵. _____، _____، (۱۳۷۵=۱۹۹۶). جشنواره اندوه. ترجمه ی موسی بیدج، تهران: نشر سوره.
۱۶. _____، _____، (۲۰۰۵). الاعمال الشعریه الکامله فدوی طوقان. بیروت: دارالعودة.
۱۷. _____، _____، (۱۹۵۴). اللیل و الفرسان، دارالعودة: بیروت
۱۸. _____، _____، (۱۹۵۵). وحدی مع الایام، دارالمصر للطباعة: قاهره
۱۹. عشري زاید، علی، (۲۰۲۲م)، عن بناء القصيدة العربية الحديثة، القاهرة، مكتبة ابن سينا للطباعة والنشر.
۲۰. غنی پور ملک، شاه احمد. خلیلی، احمد. مهدی نیاجویی، سید محسن، (۱۳۹۱). تحلیل مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار طاهره صفار زاده. نشریه ادبیات پایداری. دانشکده ادبیات و علوم انسانی کرمان، دوره ۴، شماره ۷، پاییز و زمستان؛ صص ۱۷۶-۱۳۹.
۲۱. کتفانی غسان، (۱۹۶۸م). ابعاد و مواقف من ادب المقاومة الفلسطینیة. بیروت، العدد الرابع، طباعه الآداب.
۲۲. گلین، محمد، (۱۳۸۰). خاطرات سیاسی عباس خلیلی. تهران: انوشه.
۲۳. محمد پور، زهرا، (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل درون مایه‌های اشعار سیمین بهبهانی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انسانی و اجتماعی مازندران.

On Comparative Analysis of Resistance Literature in Simin Behbani and Fadwa Tuqan's Poems

Forough Elahi^{1*}, Rezvaneh Ramroodi Delkhasteh², Sadegh Hashemi Amjad³

^{1*}Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Zabol Branch, Islamic Azad University, Zabol, Iran.

(Corresponding Author)

²MA Student in Persian Language and Literature, Zabol Branch, Islamic Azad University, Zabol, Iran.

³PhD in Arabic Language and Literature, Official Teacher of Education in Khuzestan Province, Abadan City.

Email f.elahi403@iau.ir (Corresponding Author)

Abstract

Resistance literature, as a branch of committed literature, reflects the resistance and perseverance of people against oppression and colonialism, and embodies their steadfastness in defending national and collective ideals. The revolutionary histories of Iran and Palestine demonstrate that the resistance of these two nations—sharing similar political and religious contexts—against internal despotism and external colonialism has led to the formation of common discourses within the field of resistance literature. This study compares and analyzes the resistance factors in Simin Behbahani's poems (one of the Iranian woman poets) and Fadwa Tuqan's poems (one of the Palestinian woman poets) using a competitive analytical method. The results of reading and comparative re-reading of their poems indicate that martyrdom, gantlope, self-sacrifice, patriotism, and freedom hope are the mutual poetry factors in their poems. Using feminine language, poetic narration, and Quranic themes are declarative tools evident in their poems. Despite many similarities, their poems reflect different viewpoints influenced by their political and social living conditions.

Keywords: Resistance literature, Comparative literature, Simin Behbahani, Fadwa Tuqan